

## آیندهٔ چک کیفری<sup>۱</sup>

باتوجه به ضرورت تغییر قانون صدور چک ۱۳۴۴ و بالتفات به تلاشی که وزارت دادگستری و قسوه مقننه برای اصلاح قانون مذکور به عمل میاورند، جا دارد تا آینده چک کیفری در ایران، ترسیم گردد. برای نیل بدین مقصود بایستی: "هدفهای لایحه چک و نحوه قالب ریزی آنها"، "انتقادات وارده به لایحه چک"، "نظر کلی درباره لایحه چک" و بالاخره "چک کیفری در فرانسه" مورد مطالعه واقع شوند. از اینرو عناوین فوق را در تحت چهار بخش به شرح آتی ملاحظه خواهیم نمود.

---

۱- چون مقاله آقای دکتر کازرونی اساساً "مربوط به لایحه چک مصوبه سنا در تاریخ ۱۹ آبان ۱۳۵۴ است در حالیکه قانون جدید صدور چک در تاریخ شانزدهم تیرماه ۲۵۳۵ بتصویب نهائی رسیده است، بدیهی است مباحثی که در این مقاله مربوط به مواد و یا نکاتی است که در قانون جدید صدور چک تغییر یافته خود بخود و موضوعاً "منتفی است".

## بخش اول

### هدفهای لایحه چک و نحوه قالب ریزی آنها

نویسندگان لایحه، با اعلام هدفها و استفاده از شیوه‌های مشروحه ذیل، قصد اثبات پوسیدگی قانون صدور چک ۱۳۴۴ و تبدیل آن به لایحه مذکور را دارند.

۱- لایحه به منظور عدم حمایت از چکهای اعتباری و سلب ضمانت اجرای کیفری از آنها نه تنها توجهی به تاریخ: "مدرج در متن چک" نکرده و آنرا به: "تاریخ صدور چک" تبدیل نموده، بلکه بالصراحه چکهای: "موجل" یا "مشروط" یا "سفید امضاء" را غیر قابل تعقیب از نظر کیفری، دانسته است.

۲- لایحه، برای مبارزه با "شرخرها" فقط حق شکایت کیفری برای دارنده اول یا قائم مقام قهری وی، قائل است، از اینرو چکهای آنرا که پس از مراجعت از بانک، به دیگری منتقل شوند غیر قابل تعقیب کیفری میدانند.

۳- برای ترویج چکهای "کم مبلغ" لایحه به بانکها اختیار داده تا پرداخت وجه چکها را تا مبلغ معینی تضمین کنند،

۴- لایحه، به منظور رعایت حال متهمان، تدابیر زیر را پیش بینی نموده است.

الف - مرجع تحقیق، در صورت موافقت با استمهال متهم، میتواند تأمین سوای اخذ وجه الضمان، بگیرد.

ب - مرجع مذکور باید در صورت تعدد صادر کنندگان میزان تأمین معادل وجه چک را بین آنها تقسیم نماید.

ج - هر چکی که بر اثر ارتکاب جرم صادر شده باشد، میتواند قانوناً "غیر قابل پرداخت اعلام شود،

۵- برای اجراء واقعی انسداد حسابجاری صادر کنندگان چک بلا محل ضوابطی با قید ضمانت اجراء برای بانک متخلف ، پیش بینی نموده است ،

۶- به قابلیت مطالبه مبلغ چک در مراجع جزائی ، جنبه قانونی داده است .

۷- به منظور تسریع بیشتر در رسیدگی :

الف - اخطار موسوم به "حسن نیت" را لغو نموده .

ب - صدور چک با علم به انسداد حساب را در حکم چک کیفری دانسته ،

ج - وجود چک را در ید صادر کننده ، دلیل بر انصراف از شکایت شاکی تلقی

نموده است .

۸- چکهای کیفری عهده بانکهای ایرانی واقع در خارج کشور را مصرحا " قابل

صدور اجرائیه دانسته و چکهای بی محل آنها (در صورتیکه اظهار نامه رسمی به صادر

کنندگان آنها ابلاغ شده باشد ) را قابل تعقیب کیفری میشناسد .

## بخش دوم

### انتقادات وارده به لایحه چک

(مصوبه سنا در تاریخ دوشنبه ۱۹ آبان ماه ۵۴)

#### ماده اول

الف - عدم جامعیت، چون وسائل تائیدی به منحصر به امضاء نمی باشند لذا کلمات: "مطابقت امضاء چک با امضاء صادر کننده" در ذیل ماده، جامع نیستند. پس بایستی از کلمات عامتری مثل: "کامل و مطابق بودن وسائل تائیدی منعکسه در چک با آنهایی که بوسیله ذیحساب جهت قابل پرداخت بودن چک، قبلاً "بیانک معرفی شده اند، استفاده گردد تا عنداللزوم شامل چکهائی که با وجود مطابقت داشتن امضاء مع الوصف به علت فقدان مهر یا عدم انطباق آن، غیر قابل پرداختند، نیز بشود.

ب - عدم مانعیت: چون چکهائی که از لحاظ وسائل تائیدی کامل و مطابق نمی باشند غیر قابل تعقیب در دایره اجراء شناخته شده اند لذا کلمات: "به علت نبودن محل یا بهر علت دیگری که منتهی به برگشت چک و عدم پرداخت گردد"، منعکسه در ذیل ماده، مانع نبوده و برای اینکه ماده با خودش منطقی شود لازمست تا کلمات عام: "یا بهر علت دیگری" را به: "مگر چکهائی که وسائل تائیدی آنها مطابق نمی باشند" محدود گردند.

ج - عدم صراحت: چون قانون برای مردم عادی نوشته میشود و عامه معمولاً مسلط بر مجموعه قوانین نبوده و ممکنست ظاهر مادتين ۱۱ و ۱۳ این لایحه آنها را به اشتباه انداخته و تصور کنند که چکههای غیر قابل تعقیب از نظر کیفری نمی توانند مورد صدور اجرائیه نیز واقع شوند، لذا رفع ابهام مذکور، ضمن تاکید بر امکان وصول چکههای موصوف از طریق دایر اجراء ثبت، ضروری بنظر میرسد.

د - تشریفات مضر: با توجه به اینکه برای جلوگیری از اشکالات ناشی از مفقود

شدن اسناد، حتی در دادخواستهای رسمی، لزومی به ضمیمه نمودن عین اسناد نبوده و رونوشت مصدق آنها کفایت پس چرا برای صدور اجرائیه بایستی عین چک را ضمیمه درخواست نمایند؟ چه ممکنست سند مذکور به دست صادرکننده برسد و با عنایت به ماده ۱۷ همین لایحه: "وجود چک در دست صادرکننده دلیل پرداخت وجه آن و انصراف از شکایت است".

### ماده دوم -

این ماده که برگردان بدون دخل و تصرف صدر ماده ۳ قانون صدور چک است حاضر نشده ابهامات و اختلافات موجود در دکتترین را حل کند. یکی از آنها مسئله قابلیت تعقیب یا عدم قابلیت تعقیب چکهای فاقد امضاء میباشد. چه آقای دکتر پاد معتقدند که حتی چکهای فاقد امضاء، جنبه کیفری دارند ولی نظر مخالف بر اساس حقوق فرانسه، مرتکب را مجرم نمیدانند. هم چنین تمثیلی بودن موارد احصائی و عدم اخراج صریح مصادیق واقعی کلاهبرداری که بوسیله یک صورت میگیرند از قبیل اصدار عمدی چک به تاریخ بیش از ۶ ماهه قبل از زمان تحریر یا با جوهر محو شونده یا برروی اوراق دسته چک غیر یا اخراج وجه چک به مباشرت شخص ثالث باعث خواهد شد تا ماهیت حقیقی جرائم اخیر در دکتترین و رویه قضائی لوث شود. مضافاً آنکه ماده ۱۰ همین لایحه نیز اصدار چک با علم به افساد حساب را که مصداق بارز کلاهبرداری است در حکم صدور چک بی محل تشخیص داده است.

از طرف دیگر چون صادرکننده، با توجه به عرف بانکی، ممنوع از دارا بودن حسابهای دیگری از قبیل: حساب پس انداز، حساب در گردش و غیره در بانک محال علیه حسابجاری خود نمی باشد، لذا ممکنست با وجود آنکه حسابجاری وی جوابگوی وجه چک نبوده مع الوصف موجودی وی، در همان شعبه بانک، بیش از مبلغ چک باشد، از اینرو کلمات: "..... معادل مبلغ چک در بانک محال علیه، محل داشته باشد." باعث خواهد شد تا با تفسیر مضیق بنفع متهم مقادیری از چکهای بی محل، غیر قابل تعقیب شناخته شوند لذا به علت عدم مانعیت کلمات مورد استعمال لایحه، تبدیل آنها به: "در حسابجاری مربوط"، لازم به نظر میرسند.

### ماده سوم:

چون مسئله عدم احراز اقامتگاه واقعی صادرکننده چک، یکی از دردهای حل

نشدنی مقامات قضائی است لذا، برای جلوگیری از نبرنگ مشتری به عدم اعلام آدرس واقعی خود پیشنهاد میگردد تا بانکها الزام گردند:

اولاً " در موقع افتتاح حسابجاری، قطعاتی از عکس مشتری از روبرو و نیمرخ را اخذ نمایند .

ثانیا " دسته چک و اعلامیههای مربوط به میزان موجودی و تصویب اعتبار و غیره را به آدرس مشتری ارسال دارند نه اینکه اوراق یا اطلاعیههای موصوف را در بانک، به مشارالیه تسلیم نمایند .

فقط در اینحالت است که تکلیف بانک به ارسال اعلامیه علل عدم پرداخت چک به صادر کننده به آدرس مشارالیه، تشریفات قلمداد نشده، و مفید واقع خواهد شد .

#### ماده چهارم :

الف - همانطور که قبلاً گفته شد کلمات: " دارا بودن موجودی در بانک " به علت عدم مانعیت بایستی به: " داشتن موجودی در حسابجاری مربوط " تبدیل شوند .

ب - چگونه میتوان موجودی حسابجاری را که به دارنده چکی که مثلاً " مخدوش بوده یا دستور عدم پرداخت آن صادر شده باشد، تسلیم نمود؟ متأسفانه، مسامحه در بیان ماده مذکور، بانک را مکلف به تسلیم موجودی حتی در شرائط موصوف مینماید . عدم مانعیت ماده رامیتوان با اخراج حالات موصوف رفع نمود مثلاً " ماده را بدین نحو تصحیح نمود که: " در صورتی که علت عدم پرداخت صرفاً " کسر موجودی در حسابجاری مربوط باشد، به تقاضای دارنده . . . . "

#### ماده پنجم :

اگر منظور از الزام بانک به درج نام صاحب حساب در روی هر برگ چک جلوگیری از تقلبات کسانی باشد که از دسته چک دیگران سوء استفاده مینمایند پس در حالیکه ذیحساب شخص حقوقی است، اقدامات احتیاطی مذکور کافی نیستند از اینرو در حالت اخیر بایستی مضافاً " به اسم شخص حقوقی (ذیحساب) نام صاحبان امضاء و مهر آن نیز درج گردد .

ماده ششم :

مقنن فرانسوی به منظور ایجاد اطمینان نسبت به چکهای کم مبلغ و ترویج آنها ، دو اقدام نموده است : اولاً "بانکهارا ملزم به پرداخت چکهای کمتر از هزار فرانک نموده ولی به آنها حق داده است تا به قائم مقامی دارنده ، اقدامات تعقیبی اعم از مدنی و جزائی علیه صادر کننده را انجام دهند . ثانياً " چکهای پرداخت نشدنی مذکور را خلافاً نموده است .

ولی لایحه برای رسیدن به کعبه فوق ، راه ترکستان را برگزیده است چه اولاً " الزام مذکور را به تخییر تبدیل کرده ثانياً " مورد را منحصر به چکهای بی محل کرده نه سایر انواع چکهای پرداخت نشدنی ثالثاً " میزان مبلغ تضمین شده چکها و شرائط آن را موکول به آئین نامه ای نموده است که به پیشنهاد بانک مرکزی به تصویب شورای پول و اعتبار خواهد رسید .

حتی اگر آئین نامه ادعائی بتواند بانکی که قصد تضمین دارد را مکلف نماید تا در روی هر ورقه چک (مضافاً " به موارد مندرج در ماده ۵ ) مبلغ تضمین شده را تأیید کند باز اشکالات زیر ظاهر خواهند شد و اطمینان مورد نظر برای دارنده ایجاد نخواهد گشت چه :

اولاً " ممکنست تأییدیه بانکها الحاق و جعل شده باشند .

ثانياً " امکان دارد مضافاً " به بلا محل بودن ، چک به علل دیگری نیز غیر قابل پرداخت باشد .

ثالثاً " حتی راه فرار برای بانکها جهت عدم پرداخت چنین چکها نیز مفتوح است چه ممکنست بانک بدون ذکر بلامحل بودن چک ادعاء تغییر امضاء (که کاملاً " نظری است ) را بنماید .

پس اشکالات فوق باعث عدم ترویج چنین چکها شده و نتیجتاً " نقص غرض خواهد شد . بنظر میرسد رویه مقنن فرانسوی ارجح باشد .

ماده هفتم :

حق این مبیود تا مجلس سنا اشکالات موجود در ماده ۴ قانون صدور چک را بر طرف مینمود نه اینکه آنرا تأیید نماید . انتقادات مذکور از اینقرارد :  
 اولاً " - استعمال کلمه فنی : " تخلف " برای امر جنبه نارواست ؛

ثانياً " - چون ملاک برای تعیین جزای نقدی بر اساس فقدان محل یا کسر آن

گذاشته شده است از اینرو قهرا " تبعیضی بین مجرمین به صدور چک بی محل و سایر مجرمین چک پرداخت نشدنی حاصل میشود که این برخلاف اصل تساوی مجازات است . بدینمعنی که مثلا " اگر متهم بصدور چک بی محل ده هزار تومانی و متهم به صدور چک مخدوش به همان مبلغ باشند مجازات هم حبس و هم جزای نقدی ۲۵۰۰ تومان بوده و حال آنکه مجازات فقط حبس خواهد بود .

(درمواد ۸ و ۱۲ و ۲۱ این لایحه تبعیض مذکور تکرار شده است .)

ثالثا " - از لحاظ قانون نویسی ، بهتراست تا استثناءات این ماده ( که در ماده

۱۳ میباشند ) به صورت متصل با آن باشد نه منفصل از آن .

#### ماده هشتم :

اصولا " با وجود بند ب ماده ۳ قانون کیفر عمومی که نحوه صلاحیت ایران را در جرائم مرکب تعیین نموده است ماده ۸ لایحه به علت ابهامات عدیده آن زائد و حتی مضر به نظر میرسد چه :

اولا " مکان منطقی این ماده ( در صورتی که بخواهد حفظ شود ) قبل از ماده

۷ ( که ضمانت اجراء ها را تعیین مینماید ) ، میباشد .

ثانیا " منظور از کلمه " ابلاغ " شخص نشده که منحصرآ " بایستی " واقعی " باشد و

یابه " قانونی " نیز قابل تعمیم است ؟

ثالثا " - مقصود از کلمات : " بانکهای واقع در خارج کشور " واضح نیست که فقط

مربوط به تابعیت ایران است یا شامل بانکهای خارجی میشود ؟

رابعا " اگر برای ابلاغ اظهار نامه رسمی به متهمی که به خارج رفته ، بیش از ۶

ماه وقت لازم باشد جنبه کیفری اتهام مذکور چه صورتی پیدا خواهد کرد و اصولا " نحوه

ابلاغ آن به چه صورتی خواهد بود ؟

خامسا " اگر این ماده به عنوان مخصص بند ب ماده ۳ ق کیفر عمومی تلقی شود

مفهوم مخالف آن این خواهد بود که کشور ایران در موقعی که فقط محل پرداخت چک در

ایران باشد ، صلاحیتی نخواهد داشت .

سادسا " - عدم تعریف این جرم و محل و زمان وقوع آن در حقوق جزای داخلی

و برعکس تعیین صلاحیت ایران در حالتی که محل صدور چک ایران باشد ، غیر منطقی

است .

سابعا " - تبعیض بین مجرمین به صدور چک بلا محل و سایر انواع مجرمین چک



کیفری پذیرفتنی نیست .

### ماده نهم:

مسامحه ماده در بیان این نکته است که بانک را مکلف میکند تا معادل مبلغ چک را به مجرد مراجعه دارنده آن، پس از انسداد حساب، بوی بپردازد. و حال آنکه ممکنست هنوز خدشه چک رفع نشده یا دستور عدم پرداخت آن ملغی الاثر نشده باشد. پس لازم است تصریح شود که "به محض مراجعه دارنده در صورتیکه علل عدم پرداخت نیز رفع شده باشند . . . ."

### ماده دهم:

در موقع ملاحظه ماده دوم نسبت به این ماده "که تأیید رای و حدت رویه ردیف ۲۱/۵۳ شماره ۳۴ مورخ ۵۳/۳/۲۹ هیئت عمومی دیوانعالی کشور است" انتقاد گردید و اضافه میشود که دکترین اجماعاً "مورد مذکور را از مصادیق بارز کلاهبرداری میداند و دلیلی ندارد که در این قضیه به خصوص، منطق حقوقی فدای سرعت در رسیدگی گردد.

### ماده یازدهم:

الف - در ماده ۱۴ لایحه سخن از اتهام دارنده به جعل، سرقت، خیانت در امانت رفته که غیر قابل گذشت میباشد با وصف مذکور عبارت: "جرائم مذکور در این قانون بدون شکایت دارنده، قاتل تعقیب نیست" دواشکال اساسی دربر خواهد داشت: اول - باوجود صراحت ماده ۱۱ آیا باز هم جرائم موصوف غیر قابل گذشت باقی خواهند ماند؟

دوم - بفرض آنکه لایحه چک، بخواهد اختصاصاً "جرائم مذکور را در صورتیکه مرتبط با چک باشند، قابل گذشت تلقی کند، اشکال در اینست که بنا بفرض دارنده خود متهم به این جرائم است چگونه متهم علیه خودش شکایت میکند؟ پس مفهوم آن غیر قابل تعقیب بودن جرائم موصوف خواهد شد.

ب - چون برای احراز قطعیت انتقال قهری (صدور حکم ورشکستگی و تصفیه دیون یا گواهی حصر وراثت) ممکنست مدتی بیش از ششماه طول بکشد تا آنکه ذینفع صالح برای ارائه چک ببانک یا شکایت کیفری گردد که در این هنگام مسئله مشمول مرور

زمان ماده ۱۱ خواهد شد لذا پیشنهاد میگردد یابه ذینفع حق ارائه چک ببانک یا شکایت کیفری قبل از صدور احکام و گواهی مزبور داده شود یا آنکه امروز زمانهای این ماده در فاصله اوقات لازم برای تحصیل مدارک مورد بحث، معلق گردند.

ج- فرض کنیم صادر کننده بجای تاریخ تحریر چک ۵۴/۸/۱۹ است تاریخ ۵۴/۸/۱۹ را درج نماید، آیا باز هم غیر قابل تعقیب است؟

بنظر میرسد در صورتیکه مورد منطبق با کلاهبرداری باشد تابع جرم اخیر بوده و در حالتیکه مرتکب فاقد سوء نیت کافی باشد، تاریخ مندرج در چک همان تاریخ صدور تلقی شده مرور زمان ششماهه برای ارائه چک ببانک از همان تاریخ احتساب خواهد شد. که در حالت اخیر پیشنهاد میگردد مرجع صالح برای احراز تطابق تواریخ مذکور دادسرا تشخیص شود.

د- هر چند مبارزه با: "شرخر" کاملاً "ضروریست ولی انجام آن (بفرض موفقیت در این امر) نیابستی به قیمت نقص غرض تمام شود. چه هدف اصل از جرم قلمداد نمودن چک کیفری: "ایجاد اطمینان در دارندگان چک (حتی دارندگان دست دوم به بعد) و ترویج آن به اندازه ایست که جریان اسکناس در مبادلات تا حداقل ممکنه تقلیل یافته و لذا بتوان از قدرت پول در جریانهای اقتصادی دیگر، استفاده نمود، پس بایستی چک را قائم مقام اسکناس نمود تا بتواند مثل آن دست به دست گردد. از اینرو سلب ضمانت اجراء کیفری از دارندگان دست دوم به بعد، در واقع خود نوعی جلوگیری از رواج چک است که درست عکس نیت مقنن خواهد بود.

لایحه حتی در مبارزه با: "شرخر" نیز موفق نمی باشد چه: "اولاً" در ماده ۱۴ فرقی بین حیثت معنوی او و دیگران نگذاشته و  $\frac{۱}{۴}$  وجه چک را برای مجنی علیهم افتراء علی السویه، تجویز میکند.

ثانیاً - همانطوریکه در نظر کلی خواهیم دید فقط "شرخرها" "مرافعه چی ها" هستند که منتفعین واقعی از چکهای کیفری موضوع لایحه خواهند بود نه مردم عادی.

### ماده دوازدهم:

الف - قبل از قطعیت حکم، خسارات مورد مطالبه شاکی خصوصی بردو نوعند: یکی مبلغ چک و خسارات تاخیر تادیه دوم ضرر و زیان ناشی از غیر قابل پرداخت بودن چک از قبیل حق الوکاله و هزینه درخواست و غیره

بنا بفرض خسارات نوع اول به شاکی، جبران شده و نتیجتاً "قرار موقوفی تعقیب صادر گشته است (ماده ۸ آئین دادرسی کیفری). پس مراجع جزائی صلاحیتی برای ادامه رسیدگی به اصل جرم و مخصوصاً "ضرر وزیران ناشی از آنرا نخواهند داشت (ماده ۱۳ آئین دادرسی کیفری)، پس برای احتراز از این مقررات که برخلاف ضوابط کلی آئین دادرسی کیفری بوده و موجد اشکالات منطقی و عملی خواهد شد، بهتر است صلاحیت رسیدگی به ضرر وزیران مذکور به دادگاه حقوق اعطاء گردد.

### ب - پس از قطعیت حکم

اولاً "مجازات بایستی براساس اصل تفکیک قوا، با مداخله قوه قضائیه مورد حکم واقع شود نه اینکه قوه مقننه به قوه مجریه مستقیماً دستور اعمال مجازات را بدهد. پس اخذ خمس جزای نقدی از متهمیکه قرار موقوفی تعقیب درباره آن صادر شده وجهه اصولی ندارد.

ثانیاً - اخذ خمس جزای نقدی تبعیضی است که بین متهمین چک پرداخت نشدنی گذارده میشود. چه مثلاً "صادرکننده چک مخدوش یا کسیکه دستور عدم پرداخت میدهد چون مجازات آنها فاقد جزای نقدی است لذا قهراً"، در حالت موقوفی تعقیب اخیر نیز معاف از پرداخت مبلغ مذکور خواهند بود ولی صادرکننده چک بلامحل یا کسر محل دار ملزم به پرداخت آن نمیشود.

ثالثاً - ماهیت "الزام به پرداخت مبلغ مورد بحث معلوم نشده که جزائی است یا حقوقی؟ چه در حالت عجز مرتکب بپرداخت مبلغ مذکور در حالت اول از قرار هر پانصد ریال یک روز میتوان او را بازداشت نمود.

ولی در حالت دوم چنین اقدامی قابل قبول نمیشود. پس نفع متهم ایجاب میکند که ماهیت الزام مذکور حقوقی تلقی شود مضافاً آنکه ماده ۵۲ قانون کیفر عمومی فقط "احکام" (که منصرف به رای دادگاه میباشد) را قابل مرور زمان میدانند. و چون تصمیم دادستان حکم به مفهوم فنی کلمه، نیست لذا از شمول مرور زمان ماده اخیر خارج بوده و نتیجتاً "آنکه ماهیت الزام به پرداخت مبلغ موصوف نمی تواند "جزای نقدی" شناخته گردد.

تبصره: چون در قانون تسریع آئین دادرسی کیفری و قانون کیفر عمومی فقدان سابقه موثر محکومیت کیفری مرتکب در جرائم قابل گذشت، شرط شده است، آیا سکوت این لایحه خاص موخر بر قانون تسریع . . . . دلیل بر عدم شرطیت مذکور در این جرم

خاص چک کیفری تلقی نمیشود؟

#### ماده سیزدهم

الف - ماده از چکهای: "سفید مهر" یا "فاقد تاریخ" یا دارای تاریخ مقدم بر زمان تحریر"، سخنی نگفته و تکلیف آنها را معین نکرده است.

ب - بندهای مندرج در این ماده چون استثنائات مربوط به ماده ۷ میباشند، بهتر است تا متصل به آن باشند.

ج - سلب ضمانت اجراء کیفری از چکهای مشروط، موجب عدم اعتماد مردم از هر گونه چک خواهد شد چه صدور یک معمولاً "در قبال تحویل شئی یا انجام تعهدی است و مردم عادی از ترس آنکه مبادا صادر کننده ادعا کند که: "چک پرداخت نشده، تلویحا" مشروط به تحویل شئی مرغوب یا انجام تعهد به نحو مطلوب بوده و چون مشروط حاصل نشده لذا وی از نظر کیفری و مدنی فاقد مسئولیت میباشد و نتیجتاً "دارنده که شکایت کیفری نموده مفتری تلقی خواهد شد" حاضر به قبول چک به عنوان قائم مقام اسکناس نخواهند شد.

د - عدم ترتیب اثر به گواهی گراهان برخلاف اصل مسلم: "اطمینان قاضی" است که در آئین دادرسی کیفری مدرن پذیرفته شده است.

#### ماده چهاردهم

الف - همانگونه که گیرنده اسکناس در قابلیت مبادله آن تردید نمی کند، دارنده چک نیز بایستی به قابلیت وصول آن شک ننماید در حقوق فرانسه استثناء در سه مورد: "ورشکستگی دارنده" یا "سرقت چک" یا "گم شدن چک" چون در صورت وصول وجه چک استرداد آن مشکل است، انحصاراً" و با تفاسیر بسیار مضیق، اجازه دستور عدم پرداخت به ذینفع میدهد. ولی ماده مورد بحث آنقدر استثناءات مذکور را تجویز نموده که دیگر چیزی از اصل باقی نگذاشته است. به عبارت دیگر، ایجاد چوبهای عدیده لای چرخ گردش چک باعث دور شدن از هدف خواهد شد.

ب - لایحه برخلاف یکی دیگر از اصول مسلم آئین دادرسی کیفری (قاعدہ رعایت تعدد جرم) اقدام نموده چه صادره کننده ایکه دستور عدم پرداخت چک داده و هم چنین افتراء جعل یا سرقت و غیره به دارنده زده، مشمول قاعدہ تعدد جرم میباشد ولی ماده فقط جرم واحد موضوع ماده ۷ را درباره صادر کننده تعیین مینماید که مبنای

منطقی ارفاق مذکور معلوم نمی باشد .

ج - یکی دیگر از اصول مسلم آئین دادرسی کیفری تعیین میزان خسارت معنوی بر حسب شئون متضرر از جرم است . مثلاً " ممکنست عدم پرداخت چک توام با ایراد افتراء سرت دربارہ یک دانشجوی حقوق ، اورا در جامعه ملکوک نموده و صدمه غیر قابل جبرانی به وی بزند . ولی مسلم است که اگر به جای شخص مذکور ، یکنفر " شرخر " قرار میگرفت کمتر متحمل خسارت معنوی میشد ولی ماده میزان خسارت معنوی را به نحو ثابت دربارہ کلیه مجنی علیهم به میزان ربع وجه چک تعیین نموده که برخلاف ضوابط منطقی است . به بیان دیگر منطق حقوقی فدای سرعت در رسیدگی گردیده است .

#### ماده هفدهم

باز هم فرض قانونی دیگری بر اصل : " اطمینان قاضی " حکومت کرده و صادر کننده را تشویق میکند تا از طرق نامشروع تلاش در بدست آوردن لاشه چک نماید .

#### ماده هیجدهم

الف - چون چک کیفری تماس مستقیم با اقتصاد جامعه داشته و جنبه عمومی آن بر ضرر و زیان شاکی ترجیح دارد لذا بایستی صرفنظر از شکایت شاکی قابل تعقیب و غیر قابل گذشت باشد از اینرو تکیه بر مبلغ چک جهت تعیین اخذ تامین کاملأ " نارسا خواهد بود .

ب - قابلیت مطالبه وجه چک در دادگاه جنحه ایجاب میکند تا از متهم تامینی اخذ گردد که هم جوابگوی ضرر و زیان شاکی و هم پاسخگوی حبس و جزای نقدی و اقدامات تامینی باشد از اینرو میزان تامین بایستی لااقل دو برابر وجه چک باشد نه معادل آن ( بر اساس روح ماده ۱۳۰ آئین دادرسی کیفری و تبصره آن ) .

ج - چون میزان مجازات شرکاء در جرم معادل مجازات مباشر مستقل خواهد بود ( ماده ۲۷ قانون کیفر عمومی ) ، از طرف دیگر اخذ تامین از متهم برای ، هم پرداخت مبلغ چک و ضرر و زیان شاکی و هم اجرای حکم به مجازات است لذا فرمول تسهیم مبلغ چک بین شرکاء در جرم بدون آنکه اجراء حکم را تضمین کند فقط قسمتی از ضرر و زیان شاکی را شامل خواهد شد از اینرو غیر معقول خواهد بود .

د - اگر لغو اخطار حسن نیت قانون فعلی جزئی از تسریع در رسیدگی موضوع ماده ۱۶ بوده است پس امکان استمهال متهم برخلاف هدف است .

## بخش سوم

### نظر کلی درباره لایحه چک

#### نواقص کلی زیر در لایحه مشهودند

##### اول نقص اغراض

الف - جلوگیری از گردش چک به عنوان قائم مقام اسکناس - لایحه، در موارد عدیده، ضمانت اجراء کیفری را از صادر کنندگان برداشته و به این وسیله خود در سلب اعتماد از چک و عدم گردش آن اقدام نموده است.

##### ب - ترویج چکهای اعتباری

چون اختیار تعقیب صادر کننده، صرفاً "بدست دارنده (ولو عالم به غیر قابل پرداخت بودن چک باشد) سپرده شده از اینرو اشخاص: " مرافعه چی " بدون هیچگونه واهمه ای سعی خواهند نمود از میان کلیه اسناد مربوط به اشتغال ذمه و ایجاد وثیقه فقط چکهای اعتباری از مدیون گرفته و سپس دادسرا را آلت وصول طلب ادعائی خویش قرار دهند.

##### ج - اطاله در رسیدگی

لایحه یا ایجاد موانع جدید، عملاً "امکان ایراد و دفاعهای تصنعی را باقی گذارده و باعث بطوء در رسیدگی چک کیفری خواهد شد.  
(این همسفران پشت به مقصود روانند)  
بهنتر که بایستم، قدمی دور نیافتم)

##### دوم - انحراف از ضوابط پیشرفته آئین دادرسی کیفری

لایحه اصول "اطمینان قاضی"، "ازاد بودن دست قاضی تحقیق برای اخذ تأمین و دست دادگاه برای تعیین ضرر و زیان معنوی" را زیر پا گذارده و بدوران: "فروض قانونی ادله اثبات دعوی"، رجعت نموده است.

سوم – عدم کفایت ضمانت اجراهای کیفری

ترجیح جنبه خصوصی چک بر جنبه عمومی آن و قلت میزان تاءمین از متهم و مجازات و اقدامات تامینی باعث ازدیاد غیر منطقی این جرم خواهد شد .  
لذا بنظر میرسد رفع کلیه انتقادات و ابهامات جز با پیروی طابق النعل بالنعل از تجربیات مقنن فرانسوی سوی حبس کمتر از ۶۱ روز در چک خلافی امکان پذیر نباشد .

## بخش چهارم

### چک کفیری در فرانسه

با توجه به رابطه نزدیک بین چک در فرانسه و ایران، احتمالاً، آینده چک کفیری در ایران منطبق با حقوق موضوعه فرانسه خواهد شد. از اینرو مطالعه حقوق جزائی فرانسه در این زمینه سودمند خواهد بود. ویژگیهای حقوق مزبور، با عنایت به قانون سوم ژانویه ۱۹۷۵، اجمالاً به شرح اتی میباشند:

اولاً - هدف مقنن از جرم قلمداد کردن چک کفیری ایجاد رواج چک به عنوان وسیله پرداخت فوری است. ضمناً قانونگذار بمنظور تقلیل چکهائی که وسیله ایجاد اعتبار میشوند مضافاً برای صادرکننده، برای دارنده یا نماینده آن یا ظهر نویس (در صورتیکه عالم به عدم قابلیت پرداخت فوری آن باشند) نیز مجازات قائل شده است (استثناءاً) "صرف دریافت مادی چک برای تحویل آن به دارنده قابل مجازات نیست مگر آنکه معاونت در وصول تلقی شود".

به عبارت دیگر، چک بایستی در زمان صدور (مثل اسکناس) فوراً قابل پرداخت باشد.

پس صرف تسلیم ارادی چکی که لااقل حاوی امضاء صادرکننده بوده و عرفاً چک نامیده شود، در صورتیکه بهر علتی که ناشی از صادرکننده باشد، پرداخت نشود جرم میباشد. علل مذکور از قبیل: بلامحل یا کسر محل بودن چک، فقدان تاریخ یا دارای تاریخ مقدم یا موخر بر زمان تسلیم ارادی، بودن چک دستور عدم پرداخت یا اخراج وجه چک ببهانه نامشروع بودن جهت یا عدم انجام تعهد بوسیله دارنده چک، خواهند بود (استثناءاً) "سرقت چک یا مفقود شدن آن یا ورشکستگی دارنده میتواند موجب دستور عدم پرداخت شوند".



ثانیا" - محل وقوع جرم، مضافاً " به محل تسلیم ارادی چک یا محل غیر قابل پرداخت نمودن آن میتوان قائل به صلاحیت محل های دیگری به شرح زیر گردید:

۱- در چکهای خلافی، اقامتگاه متهم ۲- در چکهای جنحه ای (براساس قانون سوم ژانویه ۱۹۷۵) محل پرداخت .

در حقوق جزای بین المللی جرم چک کیفری، جرم مرکب تلقی شده وهم کشور محل صادر کننده وهم کشور محل پرداخت صالح برسیدگی خواهند بود .

ثالثاً" - جز در چکهای جنائی (مجموع) شروع به جرم قابل مجازات وجود ندارد .

تبصره (انتقال امضاء صاحب حساب در روی ورقه چک بدون تحریر آن، جرم خاصی عنوان شده است ) .

#### رابعاً" - تکالیف و مسئولیت کیفری محال علیه

محال علیه مکلف بپرداخت چکهای کمتر از هزار فرانک (ولو فاقد محل یا دارای کسر محل) بوده وحق ندارد موجودی را کمتر از محل واقعی آن اعلام نموده همچنین ملزم است تا به کسانیکه چکها را به نحو غیر متعارف صادر مینمایند و به آنها تیکه از صدور چک ممنوع شده اند اخطار نموده و علل عدم پرداخت را تصریح نماید . ضمانت اجراء عدم انجام اقدامات مذکور جزای نقدی از دو هزار تا شصت هزار فرانک خواهد بود .

#### خامساً" - آثار ندامت موخر برای صادر کننده چک پرداخت نشدنی

پرداخت چک ظرف ده روز پس از ارائه آن ببانک، فقط مستوجب جزای نقدی نسبی معادل عشر وجه چک یا مقداری از آن که مورد شکایت واقع شده (که بهر حال کمتر از بیست فرانک نخواهد بود) میباشد و مراتب در سجل کیفری مرتکب انعکاس نخواهد یافت (اثرهای ندامت موخر مذکور، در قانون ۱۹۷۵ مسکوت گذارده شده اند) .

#### سادساً" - مجازات و اقدامات تأمینی

چون چک کیفری باتوجه به مبلغ آن هم خلافی است وهم جنحه ای، لذا دو قسمت مذکور، تفکیکاً " مورد مطالعه واقع میشوند :

الف - مجازات و اقدامات تامینی در حالت خلافی بودن جرم .  
 در صورت صدور چکهای پرداخت نشدنی کمتر از هزار فرانک (مگر در حالت تکرار جرم) و معاونت در آن (بوسیله دارنده یا ظهرنویس یا نماینده دارنده) مرتکب ملزم پرداخت جزای نقدی از ۶۰۰۰ تا ۲۰/۰۰۰ فرانک و حبس از ده روز تا دو ماه یا یکی از این مجازات و ممنوعیت از استرداد وجوه در حسابجاری مربوط خواهد بود .  
 تبصره: صدور چک با علم به ممنوعیت های مذکور کلاهبرداری تلقی میشود .  
 مضافاً دادگاه میتواند مجازات تکمیلی ممنوعیت از صدور چک از ۶ ماده تا ۵ سال را در باره مرتکب مقرر دارد .

ب - مجازات و اقدامات تامینی در حالت جنحه ای بودن جرم  
 در صورت صدور چک پرداخت نشدنی معادل یا بیشتر از هزار فرانک و یا حالت تکرار جرم نسبت به چکهائی که کمتر از مبلغ مذکور میباشد مستوجب مجازات حبس از یکسال تا ۵ سال و جزای نقدی از ۳۶۰۰ فرانک تا ۳۶۰۰۰ فرانک خواهد بود و جزاهای نقدی با یکدیگر جمع میشوند .

همچنین مجازات تکمیلی محرومیت از بعضی از حقوق اجتماعی و منع اصدار چک برای مدت ده سال را در پی خواهد داشت .  
 تبصره ۱- این جرم از لحاظ رعایت مقررات تکرار جرم ، در ردیف سرقت و کلاهبرداری میباشد .

تبصره ۲- مجازات جرم مورد بحث غیر قابل تعلیق است .  
 تبصره ۳- معافیت مربوط به کلاهبرداری از اقربا قابل تعمیم به این جرم نمیباشد .  
 تبصره ۴- سوابق تکرار جرم بایستی از بایگانی مرکزی بانک فرانسه استفسار کرد .

سابعا - جرم چک کیفری غیر قابل گذشت است .

ثامنا - ضرر وزیران شاکی و عین مبلغ چک در دادگاه جنحه قابل وصول است  
 مشروط بر آنکه دارنده دارای سوءنیت نبوده ( تجاوز از حق ) و جهت معامله مشروع بوده باشد ضرر وزیران حتی در صورت ورشکستگی صادر کننده قابل مطالبه است .